

هرگز بر نمی‌گردم

سروده ی شهید مینا رهبر بنیانگذار "جمعیت انقلابی زنان افغانستان"

من زنم که دیگر بیدار گشته ام
از خاکستر اجساد سوخته‌ی کودکانم برخاستم و
توفان گشته‌ام
از جویبار خون برادرانم سر بلند کرده ام
از توفان خشم ملت‌م نیرو گرفته ام
از دیوارها و دهکده‌های سوخته کشورم نفرت به
دشمن برداشته‌ام
حالا دگر مرا زار و ناتوان
مپندارهموطن،
من زنم که دیگر بیدار گشته‌ام
راه خود را یافته‌ام و هرگز بر
نمی‌گردم

من دیگر آن زنجیرها را از پا گسسته‌ام
من درهای بسته‌ی بی‌خبری‌ها را گشوده‌ام
من از همه چوری‌های زر وداع کرده‌ام

هموطن وای برادر، دیگر آن نیستم
که بودم
من زنم که دیگر بیدار گشته‌ام
من راه خود را یافته‌ام و هرگز
برنمی‌گردم

با نگاه تیز بینم همه چیز را در شب سیاه کشورم
دیده‌ام
فریاد‌های نیمه شبی مادران بی‌فرزند در گوشه‌هایم
غوغا کرده اند
من کودکان پا برهنه، آواره و بی‌لانه را دیده‌ام
من عروسانی را دیده‌ام که با دست‌ان حنا بسته،
لباس سیاه بیوگی بر تن نموده‌اند
من دیوارهای قد کشیده‌ی زندان‌ها را دیده‌ام
که آزادی را در شکم‌های
گرسنه‌ی خود بلعیده اند
من در میان مقاومت‌ها، دلیری‌ها و حماسه‌ها
دوباره زاده شدم
من در آخرین نفس‌ها در میان امواج خون و در فتح و
پیروزی

سرود آزادی

را آموخته‌ام
حالا دیگر مرا زار و ناتوان مپندار
هموطن وای برادر،

من در کنار تو و با تو در راه نجات وطنم هم‌نوا و
هم‌صدا گشته‌ام
صدایم با فریاد هزاران زن برپا گشته پیوند خورده
است
مشتم با مشتم هزاران هم‌وطنم گره خورده است
من در کنار تو و در راه ملت‌م قدم گذاشته‌ام
تا یکجا بشکنیم این همه رنج زندگی و همه بند
بندگی
من آن نیستم که بودم
هموطن وای برادر،
من زنم که دیگر بیدار گشته‌ام
من راه خود را یافته‌ام و هرگز بر
نمی‌گردم

<http://www.rawa.org/hargaz2.htm>